

طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی در دانشجویان ایرانی
Development and Determination of Content and Face Validity of Spiritual
Intelligence Scale in Iranian Students

Mohammad Khodayarifard
Abdollah Khorami Markani
Bagher Ghojari Bonab
Faramarz Sohrabi
Enayatollah Zamanpour
Roya Raghbian
Gholamali Afroz
Valiollah Farzad
Nasrin Mahmudi
Behnoosh Zeinali Zadeh
Narges Tankemani

محمد خدایاری‌فرد*
عبدالله خرمی‌مارکانی**
باقر غباری‌بناب*
فرامرز سهرابی***
عنایت‌اله زمانپور****
رویا راقیبیان*****
غلامعلی افروز*
ولی‌اله فرزاد*****
نسرین محمودی*****
بهنوش زینلی‌زاده*****
نرگس تنکمانی*****

Abstract

People use spiritual intelligence as spiritual capacities and resources for vital decision making and critical thinking in existential subjects or trying to solve daily problems. There is not a valid and reliable scale in this area which is developed based on Islamic conceptualization. The aim of this study was defining spiritual intelligence, determining domains of it, and developing items and testing content and face validities among college students. This study was done in a quantitative and qualitative approach by having a comprehensive overview of the tools of spiritual intelligence and interviewing 67 Bachelor's students. According to the results, spiritual intelligence was defined as a process of search for existential being, comprehending spiritual problems, understanding the meaning of religious symbols and rituals, the ability of exhausting spiritual resources for solving problems and adaptation with the environment. In addition, the dimensions of spiritual intelligence were clarified. In the next step 106 statements have been extracted from the existing measures, and 42 statements were generated using semi structured interviews. Data indicate this scale can reliability assess spiritual intelligence in college students. Preparing a shorter form is suggested to reduce the time strain, and enhancing its applicability in spiritual as well as psychological research.

Key words: Intelligence, Spirituality, Spiritual Intelligence, validity

email: khodayar@ut.ac.ir

Received: 6 Mar 2016

Accepted: 24 Sep 2016

چکیده

از هوش معنوی به‌عنوان ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل وجودی روزانه استفاده می‌شود. برای اندازه‌گیری هوش معنوی، آزمونی روا و پایا و منطبق بر آموزه‌های دین اسلام وجود ندارد. این مطالعه تعریف و تعیین ابعاد هوش معنوی و بررسی روایی محتوایی و صوری مقیاس آن در جامعه دانشجویی است. مطالعه به صورت کمی و کیفی، و با مروری جامع بر ابزارهای هوش معنوی و مصاحبه با ۶۷ دانشجوی کارشناسی انجام گرفت. طبق نتایج هوش معنوی به صورت «فرایند جست‌وجوی معنای وجودی، درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی، توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط» تعریف شده و ابعاد سه‌گانه آن مشخص شد. ۱۰۶ گویه مقیاس از ابزارهای موجود و ۴۲ گویه آن از مصاحبه به‌دست آمد. این مقیاس مبتنی بر زمینه دینی و فرهنگی جامعه دانشجویی ایران بوده و می‌تواند با روایی محتوایی و روایی صوری خوب و قابل قبول برای سنجش سازه هوش معنوی در جامعه دانشجویی استفاده شود. برای جلوگیری از خستگی و کمک به افزایش دقت پاسخ‌دهندگان و ازدیاد روایی مقیاس، تهیه و تدوین فرم کوتاه مقیاس پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: معنویت، هوش، هوش معنوی، روایی محتوایی

* نویسنده مسئول؛ عضو هیات علمی و استاد دانشگاه تهران
** عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
*** عضو هیات علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی
**** دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری. دانشگاه علامه طباطبائی
***** دکترای روان‌شناسی. عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه خوارزمی
***** دانشجوی دکتری. کارشناس ارشد
دریافت: ۹۴/۱۲/۱۸ پذیرش: ۹۵/۷/۳

مقدمه

بنا بر دیدگاه بیشتر روان‌شناسان، هوش به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی، برای درک روابط، سازگاری با موقعیت‌های جدید، ظرفیت یادگیری و قدرت تفکر انتزاعی انسان ضروری است (بهرامی، ۱۳۷۷). از طرف دیگر، معنویت به‌عنوان جوهره هستی به سفر زندگی انسان شکل داده و در طول مراحل مختلف زندگی شکل می‌گیرد. معنویت همچنین مفهومی ذهنی، شخصی و وابسته به فرد است که جنبه‌های غیرمادی انسان را شامل شده و از طریق ارتباط انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت تجربه می‌شود (خرمی مارکانی، یغمایی، خدایاری‌فرد و علوی مجد، ۱۳۹۰). همزمان با افزایش آگاهی معنوی مردم و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی، گروهی از پژوهشگران غربی در راستای تبیین بعضی از مشاهدات و داده‌ها، درصدد تعریف مفاهیمی جدید در زمینه دین و معنویت بوده‌اند. برای مثال، مفاهیم سلامت معنوی^۱ (مک‌دونالد، ۲۰۰۲)، تکامل معنوی^۲ (رایک، ۲۰۰۱) و بهزیستی معنوی^۳ (گومز و فیشر، ۲۰۰۵) در آستانه هزاره سوم به ادبیات دانشگاهی روان‌شناسی اضافه شده‌اند. سازه هوش معنوی^۴ نیز یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت توسعه یافته است. مفهوم هوش معنوی (SI) در ادبیات دانشگاهی روان‌شناسی اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۵ مطرح شد (خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۸۶).

آنچه موجب شده سازه معنویت به‌عنوان هوش مفهوم‌سازی شود، آن دسته از مشاهدات و یافته‌های علمی است که بیان می‌کند کاربست الگوهای ویژه‌ای از افکار، هیجان و رفتار (که به‌طور معمول در زیر مفهوم دین و معنویت به آنها پرداخته می‌شود)، در زندگی روزمره می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شود (آناندراجاه و هایت، ۲۰۰۱؛ کندیوکانتمانی، ۱۹۹۵؛ کندی، ایت و روزنبرگ، ۲۰۰۲؛ ون‌نس و کسل، ۲۰۰۳؛ دالمن، فری، والاس و استیودنسکی، ۲۰۰۲). از نظر امونز (۲۰۰۰) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف است. به‌طور کلی، می‌توان پیدایش سازه هوش معنوی را به‌عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت‌های علمی در نظر گرفت. افراد زمانی هوش معنوی را به‌کار می‌برند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی^۶ یا تلاش با هدف حل مسائل

^۱ health spiritual

^۲ Spiritual Development

^۳ Spiritual Well-Being

^۴ Spiritual Intelligence

^۵ Stevens

^۶ existential matters

طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی در جامعه ...

روزانه استفاده کنند (ایمونز، ۲۰۰۰؛ زوهر، مارشال و مارشال، ۲۰۰۰). بنابراین، هوش معنوی موضوعات ذهنی معنویت را با تکالیف بیرونی جهان واقعی ترکیب می‌کند (ولمن، ۲۰۰۱).
با توجه به تازگی بحث هوش معنوی در کشور اسلامی ایران، آزمونی روا و پایا و منطبق بر آموزه های دین اسلام که هوش معنوی را اندازه بگیرد، وجود ندارد. از این رو، ساخت این آزمون از اهمیت شایانی برخوردار است. تهیه آزمونی با ویژگی‌های روان‌سنجی دقیق می‌تواند در اجرای پژوهش‌های مربوط به هوش معنوی پژوهشگران را کمک کند. همچنین به نظر می‌رسد ابزارهای موجود برای سنجش هوش معنوی برگرفته از آموزه‌های ادیان دیگر است و فقط با مرور پیشینه موجود گویه‌های آنها طراحی شده است. هدف مطالعه حاضر، تعیین ابعاد هوش معنوی منطبق بر دین مبین اسلام و روایی محتوایی و صوری مقیاس سنجش هوش معنوی در جامعه دانشجویی ایران است.

روش

در این مطالعه روش شناختی برای دسترسی به پیشینه پژوهش و تبیین مبانی نظری سازه هوش معنوی، پژوهشگران کلیه نظریه‌های موجود درباره هوش، معنویت و هوش معنوی را به طور دقیق مورد بررسی قرار دادند. سپس مرور متون در باره پیشینه تجربی هوش معنوی از جمله کلیه مقیاس‌های طراحی شده خارجی و داخلی انجام شد و نیز مطالعات انجام شده در باره سازه مذکور به‌ویژه مطالعات مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام و منابع هوش معنوی اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. کلیدواژه‌های مورد استفاده فارسی و انگلیسی شامل «معنویت، هوش، هوش معنوی» بود. جست‌وجوی اینترنتی در پایگاه داده‌های شبکه جهان‌گستر مرتبط از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ انجام گرفت.

در بخش کیفی با ۶۷ دانشجوی روان‌شناسی، علوم تربیتی و پرستاری از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و علوم پزشکی ارومیه مصاحبه شد. سپس یک جلسه در قالب گروه متمرکز با همان نمونه‌ها برگزار شد. این نمونه‌ها مسلمان، مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی و علاقه‌مند به شرکت در مطالعه و بیان تجارب خود درباره هوش معنوی بودند. سپس داده‌های حاصل در اختیار ده تن از استادان دانشگاه و حوزه در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، پرستاری، الهیات و دارای تجربه کاری در پژوهش‌های روان‌شناسی دین و معنویت، رشد و تکامل و سلامت معنوی و انواع هوش قرار گرفت. متخصصان مذکور طی ۱۰ جلسه گروه کانونی^۱ روایی محتوایی و صوری ابعاد و گویه‌های مقیاس هوش معنوی را به دو روش کیفی و کمی و با استفاده از شاخص روایی محتوایی^۲ والتس و باسل، نسبت روایی محتوا^۳ و نیز

^۱ . Focus Group

^۲ . Content Validity Index (CVI)

^۳ . Content Validity Ratio (CVR)

شاخص تأثیر گویه بررسی کردند. روایی محتوای ابزارهای پژوهشی را می‌توان با استفاده از سه روش منبع، کتاب‌ها و مقالات مرتبط، دیدگاه نمونه‌های پژوهش و قضاوت متخصصان در حیطه مربوط به دست آورد (یغمایی، ۲۰۰۳). در روش کیفی تعیین روایی محتوا، گویه‌های مقیاس از نظر رعایت دستور زبان، استفاده از واژگان مناسب و صحیح، فرارگیری واژه‌ها در جایگاه مناسب و درست در عبارات و نیز امتیازدهی مناسب و صحیح بررسی شدند. در روش کمی تعیین روایی محتوایی، برای اطمینان یافتن از طراحی گویه‌های ابزار به‌منظور اندازه‌گیری محتوا از شاخص روایی محتوا استفاده شد.

در شاخص روایی محتوا با توجه به سه معیار «مربوط بودن، واضح بودن و ساده بودن» در یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای توسط متخصصان، کلیه گویه‌های مقیاس بررسی شدند (استیونس، کورنل، استوری، فرنچ، لوین، بسنتی و همکاران، ۱۹۹۹). گویه‌های دارای نمره شاخص روایی محتوا بیشتر از ۷۹ درصد مناسب بودند؛ گویه‌های با نمره شاخص روایی محتوا بین ۷۹-۷۰ درصد به اصلاح و بازنگری نیاز داشتند؛ و گویه‌های با نمره شاخص روایی محتوا کمتر از ۷۰ درصد غیرقابل قبول بودند و از مقیاس حذف شدند (هیرکاس، اپلکوئیست-شمیدلچنر و اوکسا، ۲۰۰۳).

در بخش کیفی جهت بررسی روایی صوری مقیاس، با تعدادی از نمونه‌ها مصاحبه شد و سطح دشواری گویه‌ها، وجود تناسب و ارتباط مطلوب گویه‌ها با هدف اصلی مقیاس و زیرمقیاس‌ها و وجود ابهام در معانی کلمات گویه‌ها بررسی شد (دوارد، میدز، تورسن، ۲۰۰۴). این مطالعه بخشی از پروژه تحقیقاتی مصوب دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران است و همه مجوزهای اخلاقی و اجرایی و رضایت آگاهانه از نمونه‌های پژوهشی قبل از شروع مطالعه و نمونه‌گیری اخذ شد. همه داده‌های حاصل کدبندی شده و وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ شد و متناسب با اهداف پژوهش از آزمون‌های آماری استفاده شد.

نتایج

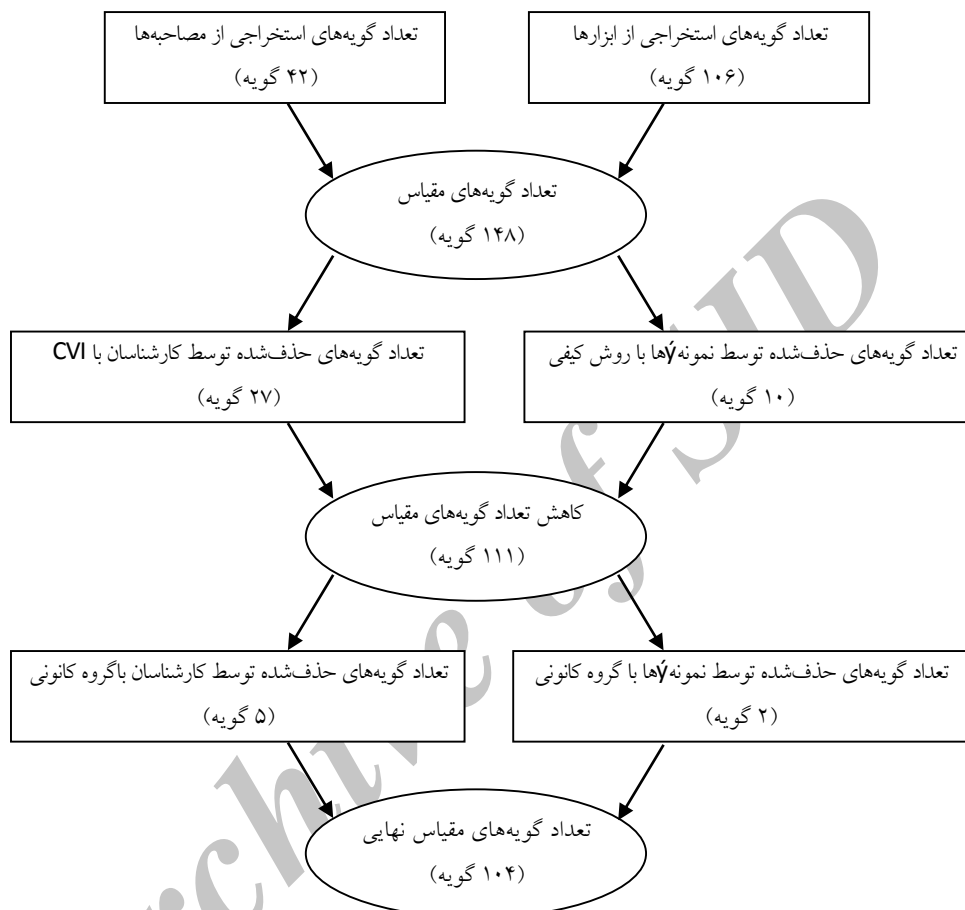
بر اساس نتایج بازنگری متون، کتاب‌ها و مقالات علمی موجود، هوش معنوی، «فرایند جست‌وجوی معنای وجودی، درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی، توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط» تعریف شد. بر اساس این تعریف، برای هوش معنوی سه بعد «فرایند جست‌وجوی معنای وجودی»، «درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی» و «توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط»، توسط متخصصان پروژه تحقیقاتی استخراج شد. هر یک از ابعاد مذکور شامل عواملی است؛ و هر یک از ابعاد هوش معنوی به همراه تعاریف آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی در جامعه ...

جدول ۱- تعاریف، عوامل و ابعاد سازه هوش معنوی

تعریف (Definition)	عامل (Factor)	بعد (Domain)
توانایی ساخت معنا و هدف در تجربیات زندگی	توانایی تولید معنای شخصی	فرایند جست‌وجوی معنای وجودی
توانایی و ظرفیت تفکر به‌صورت انتقادی در مورد طبیعت، جهان هستی، جهان پس از مرگ، فضا، زمان، راز مرگ، و سایر موارد وجودی	تفکر انتقادی وجودی	معنای وجودی
رخداد هر تجربه‌ای در ورای عالم مادی مانند معراج رسول‌الله (ص)	درک حالت‌های فراروندگی معنوی	درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی
داشتن این بینش که تمامی موجودات و اشیا، مظهر وجود الهی‌اند	درک پدیده متعالی در ورای موجودات هستی	
داشتن توانایی درک چگونگی شکل‌گیری و معنای نمادهای طبیعی و مذهبی	فهم و رمزگشایی نمادها	
داشتن تجربه توانایی فهم چندلایه‌ای انسان از معنای مناسک و عبادات و تأثیر آنها در زندگی شخصی	فهم معنا و تأثیر مناسک دینی	
توانایی حل مسائل جدید با استفاده از منابع معنوی موجود	حل مسائل نوپدید با استفاده از منابع معنوی	توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط
توانمندی ورود و خروج به/ از حالت‌های معنوی بالاتر از هوشیاری مانند هوشیاری ناب و رسیدن به حالت اتحاد در هستی	بسط حالت‌های آگاهی	
توانایی ارتباط اثربخش با دیگران و حل تعارضات بین فردی با استفاده از منابع معنوی مانند بخشایشگری، نوع دوستی و همکاری	سازگاری معنوی در روابط بین فردی	
توانایی نظارت دائمی در راستای فرایند رشد معنوی خود	مدیریت فرایند رشد معنوی	

برای شکل‌گیری گویه‌های مقیاس از ابزارهای موجود هوش معنوی و مصاحبه با نمونه‌های پژوهشی استفاده شد که خلاصه آن در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. نحوه تشکیل بانک گویه‌های مقیاس اولیه و نهایی

برای تعیین روایی محتوایی کمی، اهمیت وجود گویه‌ها در مقیاس در دو مرحله با استفاده از شاخص روایی محتوا و گروه کانونی توسط کارشناسان بررسی شد که نتایج آن در جدول ۲ بیان شده است.

طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی در جامعه ...

جدول ۲. نتایج تعیین روایی محتوایی کمی توسط کارشناسان

تعداد	$CVI > 0.79$	$0.70 < CVI < 0.79$	حذف در گروه کانونی تعداد گویه‌های نهایی
۶۲	۱۰	۲۷	۵
			۱۰۴

برای تعیین روایی کیفی مقیاس، در دو مرحله به صورت چهره‌به‌چهره و بحث گروه کانونی با نمونه‌های پژوهشی مصاحبه شد که نتایج آن در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. نتایج تعیین روایی محتوایی کیفی توسط نمونه‌ها

شاخص	گویه‌های دشوار (بازنگری)	عدم تناسب با اهداف مطالعه (حذف)	گویه‌های دارای ابهام (رفع ابهام)	گویه‌های نامناسب در گروه کانونی تعداد گویه‌های نهایی (حذف)
تعداد	۸	۱۲	۷	۲
				۱۰۴

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه بخشی از پروژه بزرگ مصوب دانشگاهی با عنوان «تدوین مبانی نظری و طراحی مقیاس هوش معنوی در جامعه دانشجویی ایران» بود که هدف کلی آن تدوین مبانی نظری مقیاس هوش معنوی و تعیین روایی محتوایی و روایی صوری مقیاس به‌روش کمی و کیفی است. بر اساس نتایج مطالعات گسترده درباره نقش انطباقی هوش معنوی در زندگی، می‌توان نتیجه گرفت که هوش معنوی می‌تواند در یافتن پاسخ سؤال‌های اساسی در زندگی انسان مانند سؤال‌های مربوط به هستی، از قبیل وجود زندگی بعد از مرگ، جست‌وجوی معنا در زندگی، اهمیت عبادت قلبی، توسعه احساس از هدف در زندگی، توسعه ارتباط با نفس خود، هماهنگ شدن با یک قدرت برتر و نقش آن در زندگی فرد تأثیر زیادی داشته باشد (ناسل، ۲۰۰۴). در مطالعه حاضر برای تعریف سازه هوش معنوی ضمن مرور کامل متون خارجی از جمله ایمونز (۲۰۰۰ب)، زوهر و مارشال (۲۰۰۰)، نوبل (۲۰۰۱)، ناسل (۲۰۰۴) و کینگ (۲۰۰۷)، به آموزه‌های اصیل دین اسلام، نظر متخصصان و نیز منابع دینی توجه کافی شده است.

بر اساس تعریف متخصصان در این مطالعه، برای هوش معنوی سه بعد «فرایند جست‌وجوی معنای وجودی»، «درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی» و «توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط»، استخراج شد. این ابعاد سازه در تعاریف آمرام (۲۰۰۷)، کینگ (۲۰۰۷)، ناسل (۲۰۰۴) و ایمونز (۲۰۰۰ب) از هوش معنوی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در همین زمینه، سهرابی و ناصری (۱۳۸۹) می‌نویسند: «از دیدگاه اسلام هوش معنوی با قدرت تعقل و اندیشه در انسان موهبتی الهی و نوری رحمانی است که پیامبر درونی انسان شمرده شده و ملاک تکلیف، ثواب و عقاب بوده و به‌وسیله آن حق از باطل و خیر از شر و راه از بیراهه تمیز داده می‌شود». عوامل مؤثر بر

هوش معنوی در متون اسلامی، ایمان به خدا، تقوا و پرهیزکاری به‌همراه تمرینات روزمره از قبیل تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق و انفس، روزه‌داری، عبادت، خواندن قرآن و تدبیر صادقانه در آیات قرآن قلمداد شده است. در مطالعه حاضر، پس از مرور کامل تعاریف و عوامل مرتبط با ابعاد هوش معنوی به‌ویژه دیدگاه اسلام و متون مرتبط دینی و پس از برگزاری چندین جلسه گروه متمرکز با متخصصان مربوط برای بعد «فرایند جست‌وجوی معنای وجودی» دو عامل، برای بعد «درک مسائل معنوی و فهم نمادهای دینی» چهار عامل، و برای بعد «توانایی استفاده‌بهبینه از منابع معنوی به‌منظور حل مشکلات و سازگاری با محیط» نیز چهار عامل استخراج شد. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در این مطالعه، روند یادشده در مورد اکثر تعاریف سازه هوش معنوی و مقیاس‌های متناسب با آن به‌ویژه در بافت دینی مسیحیت و یهودیت مورد توجه قرار نگرفته است. در تشکیل بانک گویه‌های مقیاس هوش معنوی از دو روش بررسی کامل متون داخلی و خارجی (رویکرد کمی) و نیز مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته (رویکرد کیفی) با نمونه‌های دانشجویی در جامعه ایرانی استفاده شده است. همچنین در جلسات گروه کانونی متعدد برای کاهش تعداد گویه‌های مقیاس و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس مطالعه حاضر از ترکیب متخصصانی از رشته‌های روان‌شناسی، الهیات، معنویت و سلامت معنوی و نیز طراحی و روان‌سنجی ابزار پژوهشی استفاده شده است. این در حالی است که در بسیاری از مقیاس‌های هوش معنوی از جمله بوزن (۲۰۰۱)، نوبل (۲۰۰۱)، ووگان (۲۰۰۲) و کینگ (۲۰۰۷) این روند رعایت نشده است و طراحان آنها فقط به بررسی متون در طراحی گویه‌های مقیاس‌های هوش معنوی اکتفا کرده‌اند. همچنین در مطالعه حاضر برای تعیین روایی محتوایی مقیاس از دو روش کمی و کیفی توسط کارشناسان هم در طراحی و تدوین خود گویه‌ها و هم مقیاس رتبه‌بندی پاسخ‌های آنها استفاده شد. در تعیین روایی محتوایی به‌صورت کمی از شاخص روایی محتوا استفاده شد که نزدیک به ۹۰ درصد گویه‌های مقیاس دارای CVI بالای ۰/۷۹ بودند که در مقیاس بدون تغییر حفظ شدند که بیانگر دقت زیاد گروه متخصصان در جلسات بحث گروه متمرکز بود. در مقیاس مطالعه حاضر به‌دلیل ماهیت کنشی گویه‌های مقیاس، به گزینه‌ها برحسب میزان تکرارپذیری پاسخ‌دهنده در مقیاس طیف لیکرت شش درجه‌ای (هرگز، به‌ندرت، گاهی اوقات، معمولاً، بیشتر اوقات، همیشه) نمره‌های ۰ تا ۵ منظور شد.

در مطالعه حاضر برای تأمین روایی ظاهری «مقیاس هوش معنوی در جامعه دانشجویی» از نظر اینکه شکل گویه‌ها منطقی و متناسب با شخصیت دانشجویان باشد و نیز گویه‌ها جذاب، دارای چاپ مناسب و توالی منطقی باشند، از ۶۷ دانشجوی مقطع کارشناسی از دانشگاه‌های مختلف پزشکی و غیرپزشکی خواسته شد تا ضمن شرکت در یک جلسه مصاحبه به‌صورت گروه متمرکز، درباره گویه‌های مقیاس از نظر سطح دشواری، وجود تناسب و ارتباط مطلوب گویه‌ها با هدف اصلی زیرمقیاس‌ها و ابعاد مقیاس و نیز وجود ابهام و نارسایی در معانی کلمات پیشنهادی خود را ارائه دهند. در طی همین جلسه گروه

متمرکز میزان پذیرش مقیاس نیز از آنها سؤال شد که در حد خوب ارزیابی شد. همه این موارد سبب افزایش روایی صوری مقیاس شد که منطبق بر دیدگاه نانالی و برنستاین (۱۹۹۴) بود. در همین زمینه آناستازی (۱۹۹۰) بیان می‌کند در اصل، روایی صوری از نظر اصول اندازه‌گیری، روایی نیست و به آنچه در واقع می‌سنجد توجه نمی‌کند؛ بلکه به ظاهر ابزار توجه دارد و به این امر مربوط می‌شود که مقیاس برای پاسخ‌دهندگان، مجریان، کاربران و سایر مشاهده‌گران، معتبر باشد. اسدی لاری و همکاران (۲۰۰۵) نیز بیان می‌کنند به دلیل اینکه با تغییر کلمات و عبارات در روایی صوری، روایی کل پرسشنامه تغییر می‌کند، باید تعیین روایی صوری به عنوان اولین اقدام لحاظ شود که پژوهشگران مطالعه حاضر چنین روند و تقدیمی را در فرایند روان‌سنجی رعایت کردند. همچنین روند تعیین روایی صوری کیفی منطبق بر مطالعه لاکاس و همکاران (۲۰۰۲) بود که برای جلوگیری از برداشت‌های اشتباه از عبارات یا وجود نارسایی در معانی کلمات، تعیین روایی صوری را ضروری می‌دانند. نتایج مطالعات متعدد در همین زمینه نشان داد که در اکثر تحقیقات مشابه، روایی صوری تعیین نشده و در بسیاری از موارد به مقدار جزئی به عنوان بخشی از روایی محتوایی به آن اشاره شده است. با توجه به روند دقیق و علمی تعریف سازه و ابعاد هوش معنوی و استفاده از گروه کارشناسی از رشته‌های مرتبط و نیز استفاده از رویکردهای کمی و کیفی از جمله شاخص روایی محتوا می‌توان ادعا کرد که مقیاس هوش معنوی می‌تواند با روایی محتوایی و روایی صوری خوب و قابل قبول برای سنجش هوش معنوی در جامعه دانشجویی به کار گرفته شود. برای جلوگیری از خستگی و افزایش دقت پاسخ‌دهندگان و ازدیاد روایی مقیاس، تهیه و تدوین فرم کوتاه مقیاس پیشنهاد می‌شود.

References

- Bahrami, H. (2003). Psychological tests (theoretical basis and applied techniques), Tehran: *Alameh Tabatabaei University*.
- Khodayari Fard, M. & Abdini, Y. (2008). Health Problems of juveniles and adolescents. Tehran: *University of Tehran*.
- Khorami Markani, A; Yaghmaei, F; Khodayari Fard, M; Alavi Majd, H. (2012). Spiritual wellbeing experiences of oncology nurses: Qualitative content analysis. *Journal of Sabzvar medical sciences university*. 18(3).
- Sohrabi, F. & Naseri, I. (2011). Assessing concept and Dimensions of spiritual intelligence and developing a scale to measuring it. *Research in psychological health*. 3(4) 69-77.
- Amram, Y. (2007). *The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory*. Paper Presented at the 115th Annual (August 2007). Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.

- Anandrajah, D., & High E. (2001). Spirituality and medical practice: Using the HOPE question as a practical tool for spiritual assessment. *The American Academy of Family Physicians*, 63(4) 81- 89.
- Anastasia, A. (1990). *Psychological Testing*. 6th edition. New York: MacMillan Publishing Co.
- Asadi- Lari M. et al. (2005). Psychometric properties of a new health needs analysis tool designed for cardiac patients. *Public Health*, 119 (8) 590- 598.
- Buzan, T. (2001). *The power of Spiritual Intelligence: 10 Ways to tap into your Spiritual genius*. London: Thorsons.
- Daaleman, T. P., Frey, B. B., Wallace, D., & Studenski, S. A. (2002). The Spirituality Index of Well-Being: Development and testing of a new measure. *J FamPract*, 51(11), 952.
- Doward, L. C., Meads, D. M., & Thorsen, H. (2004). Requirements for quality of life instruments in clinical research. *Value in Health*, 7(s1), S13-S16.
- Emmons, R. A. (2000a). Spirituality and intelligence: Problems and prospects. *The international journal for the psychology of religion*, 10(1), 57-64.
- Emmons, R.A. (2000b). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the psychology of Religion*, 10(1), 3-26.
- Gomez R, Fisher J.W. (2005). Spiritual wellbeing questionnaire: Testing for model applicability, measurement and structural equivalencies, and latent mean differences across gender. *Personality and Individual Differences*. 39(8) 1383-1393.
- Hyrkäs, K., Appelqvist-Schmidlechner, K., & Oksa, L. (2003). Validating an instrument for clinical supervision using an expert panel. *International Journal of nursing studies*, 40(6), 619-625.
- Kennedy, J. E., & Kanthamani, H. (1995). An exploratory study of the effects of paranormal and spiritual experiences on peoples' lives and well-being. *Journal of the American Society for Psychological Research*, 89(3), 249-264.
- Kennedy, J. E., Abbott, R. A., & Rosenberg, B. S. (2002). Changes in spirituality and well-being in a retreat program for cardiac patients. *Alternative therapies in health and medicine*, 8(4), 64-73.
- King, D.B. (2007). The Spiritual Intelligence Project. Trent University, Canada. www.Dbking.org/spiritualintelligence.
- Lacasse, Y, et al. (2002). Requirement of quality of life instrument in clinical research. *Value Health*. 7(4) 499- 503.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity1. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Macdonald, J. J. (2002). Spiritual Health in older men. In *Proceeding of the 1th on Seminar Older men and Community*.
- Nasel, D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality* (Doctoral dissertation, University of South Australia).

- Noble, K. D. (2001). *Riding the wind horse: Spiritual intelligence and the growth of the self*. New Jersey: Hampton Press.
- Nunnally, J. C, Berstein IH. (1994). *Psychometric Theory*. 3rd edition. New York: MCgraw- Hill, Inc.
- Reich, K. H. (2001, April). Fostering spiritual development: Theory, practice, measurement. Paper presented at the International Conference on Religion and Mental Health, Teheran, Iran.
- Rubio, D. M., Berg-Weger, M., Tebb, S. S., Lee, E. S., & Rauch, S. (2003). Objectifying content validity: Conducting a content validity study in social work research. *Social Work Research*, 27(2), 94-104.
- Stevens, J., Cornell, C. E., Story, M., French, S. A., Levin, S., Becenti, A., & Reid, R. (1999). Development of a questionnaire to assess knowledge, attitudes, and behaviors in American Indian children. *The American journal of clinical nutrition*, 69(4), 773s-781s.
- Van Ness, P. H., & Kasl, S. V. (2003). Religion and cognitive dysfunction in an elderly cohort. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 58(1), S21-S29.
- Vaughan, F (2002). *What is Spiritual intelligence?* *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.
- Waltz, C. F., & Bausell, B. R. (1981). *Nursing research: design statistics and computer analysis*. Davis FA.
- Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. Richard N. Wolman, PhD.
- Yaghmaie, F. (2003). Content validity and its estimation. *Journal of Medical Education*. 3(1) 25- 27.
- Zohar, D., Marshall, I. N., & Marshall, I. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*. Bloomsbury Publishing USA.